

# نظامی گنجهای

دکتر محمد روشن

جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف... نظامی از شاعران بزرگ زبان فارسی است که او را در شمار آن پنج تن ستارگان تابناک شعر: فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ نام می‌برند. نظامی از شاعران سده ششم (ظ ۵۳۰ - ۶۱۴) عصر سلجوقی است که پنج گنج او پرآوازه‌ترین منظومه زبان فارسی است.

در نیمه نخستین سده پنجم هجری قمری فرمانروایی سلجوقیان، ترکان صحرانوردی که در دشتهای آسیای میانه می‌زیستند، آغاز گردید. فرهنگ و سنتهای ایرانی که قدرت برتر را به پادشاه تفویض می‌کرد و فرمانبرداری مردم را محتوم می‌دانست، با روش سنتی زندگی قبیله‌ای، که رئیسان قبیله سرپرست و بزرگ دودمان به شمار می‌رفتند، تعرضی نداشت.

سرسبزی چمنزارها و مراتع دشتهای خراسان، این صحراگردان چادرنشین شبان‌پیشه را به سوی خود کشید و اقتصاد شبانی آنان را متمرکز ساخت. جاذبه سکون و اسکان و ابزار سروری و نظام اداری با تشکیلات منسجم مالیاتی با برخورداری از سپاهیان انبوه و آماده، استقرار حکومت نوریسندگان را آسان کرد.

چیرگی ترک‌زبانان بیگانه با مقاومتی روبرو نگردید، در خراسان و ماوراءالنهر، که از

دورترین زمانها گذرگاه اقوام و تیره‌های گوناگون بود و مایه آمیزش و جذب عنصرهای متنوع قومی گشته بود، بیگانگیها کمتر به چشم می آمد؛ از سوی دیگر نورسیدگان نیز به کوتاهتر - زمانی رسم و آیین بومی را فرو نهادند و شیوه‌های زندگی شهرنشینی و اجتماعی فرهنگ مستقر را پذیرا گشتند.

سلطه رو به زوال دوده غزنوی و تهدیدهای بویهیان و خاصه دلبستگی آنان به مذهب شیعه و گرایش‌های اعتقادی علوی، خلیفگان بغداد را مایه‌انتهاب فراهم ساخته بود، از آن رو توجه آنان به سوی مهاجمان ترک‌تبار در مشرق مایه ترغیب ترکان گشت و پیشرفت کار آنان را تسهیل نمود. بغداد حمایت خود را مبذول داشت و چادرنشینان به حکومت رسیده نیز در گروه به اسلام تأخیر و درنگی روا نداشتند. تمهیدات نودولتان نویسندگان سنی مذهب را خوشایند افتاد تا جایی که به توجه تشریحی پیروزی سلجوقیان پرداختند؛ و راوندی در کتاب خود «راحة الصدور و آية السرور» که به غیاث‌الدین کیکسروبن قلیج ارسلان پیشکش شده، می نویسد:

...

«چون امام اعظم ابوحنیفه کوفی رضی الله عنه به حجة الوداع بود، حلقه در کعبه بگرفت و گفت: خداوندا، اگر اجتهاد درست است و مذهب من حق است نصرتش کن... هانقی از خانه [کعبه] آواز داد و گفت... حق گفتی و رایت مذهب تو افراشته و صفة اعتقاد تو نگاشته خواهد بود. مادام که شمشیر در دست ترکان حنیفی مذهب باشد و بحمدالله تعالی پشت اسلام قوی است... و در عرب و عجم و روم و روس شمشیر در دست ترکان است و سهم شمشیر ایشان در دلها راسخ...» - چاپ محمد اقبال. با تصحیحات مجتبی مینوی. ص ۱۷ -

دست‌اندازیهای ترکان سلجوقی به بیزانس و امیرنشینهای مسیحی ارمنستان، رنگ غزای با کافران گرفت، و آذربایجان که گذرگاهی پرسبزه و نعمت و برخوردار از سنت کشاورزی بود و قدرتهای متزلزل در آن، فرصت استخدام و به کارگیری ترکان را می داد، به عنوان پایگاه استوار سنتهای قومی و زبانی، مقبول مهاجمان گردید.

اوج و اعتلای کار سلجوقیان که مقدمات آن از هر سوی فراهم آمده بود، و شکوفایی سیطره حکومت عصر ملکشاهی که از کاردانی ایرانیان و وزیران آگاه چون عمیدالملک کندی و نظام‌الملک و دیگران برخوردار داشت، با مرگ ملکشاه و نزاعهای شاهزادگان و امیران و تعارضهای طبقات نوپدید اقطاع‌داران و اصناف و بازاریان و پیشه‌وران، به آشوبهای بزرگ منجر گردید.

ایجاد و گسترش مدارس و نظامیه‌ها که در حقیقت تنها نه به مقصود آموزشهای علمی و

برخورداری از دانشها، بل به نیت پرورش عالمانی در خدمت نظام حاکم و ائتلاف دیوانیان و عالمان گشایش یافته بود، وارستگی و نزاهت ساحت علمی بزرگ مردانی چون غزالی و شهرستانی و خیام و ابوسعید ابی‌الخیر و... را تحت الشعاع قرار داد، و با وجود عامل وحدت‌بخش اعتقادات اسلامی، چیرگی نظامیان و فزون طلبیهای برخورداران و رشدیافتن طبقات نوپدید اجتماعی درگیرها را دامن زد و نزاعها فزونی پذیرفت. آموزشهای عصیان‌آمیز آیین اسماعیلی در برابر سنت‌های ایستای مذهب تسنن، و پیدایش و روایی کار صوفیان و گشایش خانقاهها، تحركات اجتماعی را برانگیخت و مراکز تازه‌ای برای مراجعات مردم پدید گشت. دین و دولت که در بسیاری موارد همسویی داشتند، در برابر یکدیگر ایستادند؛ و در تأویلات جدید، شاه به شبان و مردم به رمه تشبیه گشتند، و برای اجرای عدالت و رعایت انصاف اختیارات به مراتب پایین‌تر و قاضیان تفویض گردید.

\*

سلجوقیان ترک‌تبار ترک‌زبان نه تنها در پیشبرد زبان و ادبیات فارسی هرگز مانعی به شمار نیامدند، بل در بسط و گسترش شعر و ادب سهمی عمده یافتند. تشویق و تربیت شاعران و نویسندگان به انگیزه و راهنمایی وزیران و عاملان فارسی‌زبان مایه‌اعتلای زبان و ادب و فرهنگ گردید. همچنان که صنعتگری و هنر مس و معماری و احداث آثار و بناهای تاریخی درخششی چشمگیر یافت.

در این دوره‌ها زبان رسمی و دیوانی، زبان فارسی بود، برخلاف دوره‌هایی از غزنویان که زبان فارسی گاه مورد تهاجم تمایلات دیوان‌مردان قرار می‌گرفت، و از زبان تازیان به عنوان زبان دیوان حمایت می‌شد. رشد و پویایی شهرها و گسترش مدارس و تبادلهای بازرگانی و اقتصادی در رونق و شکوفایی فرهنگ و هنر و شعر و ادب از موجبات مؤثر بود.

شعر در عصر سلجوقیان اوجی و کمالی وافر یافت، هر چند که نمونه‌های درخشان دوران پیشین اندک اندک نقصان می‌پذیرفت، ولی شاعران چیره‌دستی چون خاقانی و انوری و ظهیر فاریابی با نوآوری‌هایی که در قصیده پدید آوردند، و با به کار گرفتن دانشهای رایج و اصطلاحات علمی و حکمی تداوم سیر صعودی شعر را ممکن ساختند، اما این روند دیر نپایید و کاستی قدرت خلاقه شاعران و روی‌آوری آنان به تزئینات و ترصیعات فنی و صناعات لفظی، جوهر هنری شعر را کاستی بخشید، و شعر را به سوی لفاظیها و صنعتگریهای تنگ‌مایه سوق داد.

شعر صوفیانه با ظهور سنایی، آغازی خوش بود که فرجامی دلپذیر به بار آورد.

با شکسته شدن احتشام دربارها، و اضمحلال فرّ و شکوه امپراتوری سلجوقی، و

شاخه شاخه شدن قلمرو فرمانروائیهها و پدید آمدن حکومت‌های مُتفرّع، و رقابتهای مبتذل شاعران و شاعری‌پیشگان، قالب پررواج قصیده کاسد شد؛ و قالب غزل، به اعتبار کوتاهی و سادگی جایگزین قصاید بلند و نفس گیر گردید.

روایی کار خانقاهها و اقبال مردم به صوفیگری، که هنوز نشانه‌ای از پویایی و تحرک داشت، و گرایش طبقات نوین اجتماعی به مضمونهای نوپدید، قول و غزل‌خوانی را بازاری گرم بخشید. فنیان و اخیان که بیشترین پشتوانه را در میان پیشه‌وران و صنعتگران یافته بودند از موجبات شیوع قالب تازه گردید، و رباعی، گونه مطلوب شعر صوفیه به شمار آمد.

\*

نظامی، برخوردار از قریحه‌ای تابناک و با وقوف به تنوع و گونه‌گونی شعر، منظومه‌سرایی را که سنتی دیرینه در ادب فارسی داشت، زنده می‌کند. نگاهی به تاریخ شعر و کارنامه شاعران پیشین، از رودکی و هم‌عصران او تا روزگار نظامی بیانگر این قالب فراگیر شعر است. در آثار بازمانده کم شمار شعری رودکی درمی‌یابیم که او به منظومه‌سرایی رغبتی وافر داشت. سندیادنامه و کلیله و دمنه و...

از دیگر شاعران سده چهارم نیز نام منظومه‌هایی را باز می‌یابیم که اثری از آنها به جای نمانده: آفرین‌نامه و سه منظومه دیگر از ابوشکور بلخی، منظومه‌ای از لبیبی، و طیان و ابوالمؤید و بختیاری و سه منظومه عنصری: شادبهر و عین‌الحیات، خنگ بت و سرخ بت، و وامق و عذرا. داستان‌پردازی که در سده چهارم بر اثر تحولات فکری، رنگ و مایه‌ای حماسی پذیرفت، و سبب پدید آمدن حماسه‌ها و به نظم درآوردن خدای‌نامه‌ها و کارنامه‌ها و شاهنامه‌ها گردید، و تبلور آن انگیزه‌ها در منظومه حماسی جاودانه فردوسی تجلی یافت، صبغه‌ای دیگر گرفت و راه منظومه‌های غنایی را بازگشود. نخستین جلوه این روی آوری به شعرهای غنایی را در اثر دلپذیر فخرالدین اسعد گرگانی - نیمه اول سده پنجم - باز می‌یابیم. ویس و رامین داستانی عاشقانه بازمانده از روزگار اشکانیان است که درباره ریشه آن هیچ نمی‌دانیم. شاعر جوان که وابسته دربار طغرل بود و از گرگان به اصفهان رفته بود به تشویق تاج‌الدوله ابوالفتح مظفر بن محمد حاکم اصفهان به نظم ویس و رامین می‌پردازد. اصل منظومه به زبان پهلوی است. آیا شاعر خود آن را از زبان پهلوی برگردانید یا گزارشی از آن در دست داشت، دانسته نیست. گفتنی است که داستان‌پرداز نامدار ایرانی، صادق هدایت از نخستین کسانی است که به معرفی و تحلیل این داستان پرداخته است.

\*\*\*

نظامی به سالهای ۵۳۰ - ۵۴۰ هجری در گنجه زاده شد. گروهی از تذکره‌نویسان اصل

او را از عراق، نواحی قم و تفرش، می‌دانند که پدرش، یوسف، به گنجه کوچید و وی در آنجا به جهان آمد. مادرش زنی کُردتبار و رئیسه نام بود:

گر مادر من رئیسه کُرد  
مادرصفتانه پیش من مرد  
از لابه‌گری کرا کنم یاد  
تا پیش من آردش به فریاد  
دایی نظامی که در پرورش او مؤثر بود عمر نام داشت:

گر خواجه عمر که خال من بود  
خالی شدنش وپال من بود  
از تلخ‌گواری نواله‌م  
در نای گلو شکست ناله‌م  
از بررسی آثار نظامی بر می‌آید که وی تمام عمر را در گنجه به سر برده است، هرچند که از زادگاه خود خشنود نیست و گاه‌گاه به این نکته اشاره می‌کند،

نظامی که در گنجه شد شهرند  
مباد از سلام تو نابره‌مند  
نظامی ز گنجینه بگشای گنج  
گرفناری گنجه تا چند چند  
وی ظاهراً سفری کوتاه به شهری در نزدیکیهای گنجه دارد. قزل ارسلان که بدین نواحی آمده است، شاعر را فرامی‌خواند:

که ناگه پیکی آمد نامه در دست  
به تعجیلم درودی داد و بنشست  
که سی‌روزه سفر کن کاینک از راه  
به سی‌فرسنگی آمد موبک شاه

نظامی با زنی که امیر دریند او را تحفه فرستاده بود، ازدواج می‌کند؛ و او را عاشقانه دوست می‌دارد. از گفته‌های او پیداست که خسرو و شیرین یادگار دوران خوش زندگی با این زن است که آفاق نام داشت؛ و گویا در جوانی چشم از جهان فرو بست. نظامی در منظومه خسرو و شیرین به همین موضوع اشاره دارد:

در این افسانه شرط است اشک‌راندن  
گلایی تلخ بر شیرین فشاندن  
به حکم آنکه آن کم‌زندگانی  
چو گل بر باد شد روز جوانی  
سبکرو چون بت قبیحاق من بود  
گمان افتاد خود کافاق من بود  
همایون‌پیکری نغز و خردمند  
فرستاده به من دارای دریند...

از همین بیتهای برمی‌آید که نظامی را پسری از این زن بوده است محمد نام:

اگر شد تُرکم از خرگه نهانی  
خدایا تُرک زادم را تو دانی  
نظامی پس از مرگ این زن، زنی دیگر گرفت، این زن نیز به جوانی درگذشت، و نظامی ناگزیر زنی دیگر گرفت. از شوربختی وی این زن سوم نیز درگذشت. در شرفنامه به این نکته‌ها برمی‌خوریم:

مرا طالعی طُرفه هست از سخن  
 در آن عید کان شکرافشان کنم  
 چو حلوای شیرین همی ساختم  
 چو بر گنج لیلی کشیدم حصار  
 کتون نیز چون شد عروسی به سر  
 که چون نو کنم داستان کهن  
 عروس شکرخنده قربان کنم  
 ز حلواگری خانه پرداختم  
 دگر گوهری کردم آنجا نثار  
 به رضوان سپردم عروس دگر

مرور در آثار نظامی نشانگر اهتمام بسیار او در کسب دانشهای زمان است:

به بازی نبرد جهان را به سر  
 نخفتم شبی شاد بر بستری  
 که شغلی دگر بود جز خواب و خور  
 که نگشادم آن شب ز دانش دری

و به درستی در دو بیت زیر بدین ظریفه می پردازد که بی فرا گرفتن دانش و تنها با تکیه بر فکر و قریحه به پایگاه بلند نمی توان رسید:

بدین دلفریبی سخنهای بکر  
 سخن گفتن بکر جان سفتن است  
 به سختی توان زادن از راه فکر  
 نه هر کس سزای سخن گفتن است  
 چون شاعر در فراگیری علوم رایج رنج می برد و همروزگاران خود را از خود فروتر می یابد، به خودستایی می پردازد:

ز چندین سخنگو سخن یاد دار  
 سخن چون گرفت استقامت به من  
 سخن را منم در جهان یادگار  
 منم سرو پیرای باغ سخن  
 قیامت کند تا قیامت به من  
 به خدمت میان بسته چون سروین

هرچند پیوندهای نظامی با مکتبهای صوفیان به درستی روشن نیست، اما از سخن و شعر او برمی آید که انسانی وارسته و بدور از وابستگی بوده است و به ویژه از پیوستن به دربارها و ارباب دولت پرهیز داشته:

از صحبت پادشه پرهیز  
 زان آتش اگرچه پر ز نور است  
 چون پنبه خشک از آتش تیز  
 پروانه که نور شمعش افروخت  
 ایمن شده آن کسی که دور است  
 چون بزم نشین شمع شد سوخت  
 لیلی و مجنون، ص ۷۹

در جایی دیگر می گوید:

پایین طلب خسان چه باشی  
 گردن چه نهی به هر قفایی  
 دست خوش ناکسان چه باشی؟  
 راضی چه شوی به هر جفایی؟

می‌باش چو خار حربه بر دوش تا خرمن گل کشی در آغوش  
همانجا. ص ۷۹

نظامی دیوان بزرگی حاوی غزلها و قصیده‌ها و... داشته که دولتشاه سمرقندی شمار بیت‌های آن را بیست هزار دانسته، ولی از آن همه اندکی به جای مانده است که به اهتمام وحید دستگردی در دفتری به نام گنجینه گنجوی فراهم آمده. اینک پنج منظومه نظامی را که از آن به خمسه یا پنج گنج یاد می‌شود نام می‌بریم و به اختصار شرح و تحلیل می‌کنیم:

- ۱- مخزن الاسرار: نخستین منظومه نظامی است و در حدود ۲۲۶۰ بیت دارد. حکایت‌های کوتاهی است در موضوعات اخلاقی و دینی و مواعظ و حکم در بیست مقاله.
- ۲- خسرو و شیرین: داستان عاشقانه‌ای است در ۶۵۰۰ بیت، گویای عشق خسروپرویز شهریار ساسانی با شاهزاده‌ای ارمنی تبار به نام شیرین.
- ۳- لیلی و مجنون: شمار ابیات این منظومه ۴۷۰۰ است که از عشق شورانگیز مجنون به لیلی یاد می‌کند.

۴- هفت پیکر: این منظومه را هفت گنبد یا بهرام‌نامه نیز می‌خوانند، و حدود ۵۱۳۶ بیت دارد. داستانی است درباره بهرام پنجم که بهرام گورش نیز می‌خوانند. سخن سنجان این مثنوی را شاهکار نظامی می‌دانند، و یان‌ریپکا خاورشناس نامدار چک آن را در ادبیات جهان بی‌همانند می‌داند.

۵- اسکندرنامه: پنجمین مثنوی نظامی است در ۱۰۵۰۰ بیت. این مثنوی خود دو منظومه است، نخستین منظومه را «شرف‌نامه» می‌خوانند، و بخش دوم آن را «اقبال‌نامه». داستان اسکندر پیامبر و جهانگیر است.

### منابع این گفتار:

مخزن الاسرار / خسرو و شیرین / لیلی و مجنون / شرف‌نامه: همه به تصحیح دکتر بهروز ثروتیان. انتشارات توس / نظامی شاعر بزرگ آذربایجان. ی. ا. برنلس. ترجمه حسین محمدزاده صدیق. انتشارات پیوند / تاریخ ادبیات در ایران. دکتر ذ. صفا. ج ۲. کتابفروشی ابن سینا / نظامی شاعر و داستان‌سرا. دکتر علی‌اکبر شهابی. کتابخانه ابن سینا / تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. گردآورنده: جی. آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. انتشارات امیرکبیر.